عرض ارادتی به ساحت پیامبر گرامی اسلام و دو امام معصوم

حجت الاسلام دکتر محمدرضا جواهری
عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

ارزش و اجر خدمت به خانواده در آموزش‌های پیامبر خدا (ص)

اجر و پاداش خدمت به خانواده چیست؟ در آموزه‌های دین اسلام خدمت به خانواده جایگاه ویژه و ارزش فراوانی دارد. پیامبر اسلام صلی‌الله علیه وآله وسلّم در خدمت به خانواده سخنان زیادی دارند. در اینجا تنها بخشی از یک حدیث نبوی تبیین می‌گردد. امیرمؤمنان امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: روزی درحالی که فاطمه سلام‌الله‌علیها نزدیک من و کنار دیگ نشسته بود و من عدس در دیگ می‌ریختم، پیامبر خدا صلی‌الله علیه واله وسلّم وارد شدند و فرمودند:ای ابوالحسن! گفتم: لبیک یا رسول الله! فرمودند: اسمع منی و ما اقول الا من امر ربّی، آنچه را می‌گویم بشنو زیرا من هیچ حرفی نمی‌زنم مگر آنچه پروردگارم امر کرده است... یا علی! **مَن لم یأنَف من خدمَة العیال دَخَل الجَنّةَ بغَیر حساب؛ یا علی! خدْمَة الْعِیالَ کَفّارَةٌ لِلْکَبَائِر وَ یطْفی غَضَبَ اَلـرَّبَّ وَ مُهَوِّرُ حُورِ الْعِینَ وَ تَزِیدُ فی الْحَسَنَاتَ وَ الدَّرَجَاتِ؛ یا علی! لا یَخدمُ العیالَ إلاّ صِدّیقٌ أو شَهیدٌ أو رَجُلٌ یُریدُالله بِهِ خَیرَ الدُّنیا وَ الآخِرَة**؛ (محمدبن شعیری، جامع الاخبار، قرن ششم، ص ۱۰۲ * علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۱، ص ۱۳۲ * محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۴۹ * آیت‌الله العظمی بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۰۶ * مولی محمدمهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۴۷)ای علی! هرکس خدمت کردن به عیال خود را ننگ نداند بی‌حساب وارد بهشت می‌شود.ای علی! خدمت عیال کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را خاموش می‌کند و فرو می‌نشاند و مهرهای حورالعین است و به حسنات و درجات انسان می‌افزاید.ای علی! به عیال خدمت نکند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد.

در این حدیث نبوی خدمت به عیال محور قرار دارد.

منظور از عیال قطعاً همسر و زن انسان است ولی عیال، افزون بر زن، فرزندان و کسانی‌اند که تحت تکفل یک مرد، زندگی می‌کنند و وابستگی مالی به او دارند خواه نفقه و مخارج زندگی آنان بر انسان واجب باشد مانند همسر و فرزندان یا نباشد. عیال اهل خانه و خانواده انسان و در رأس آن‌ها زن انسان است.

براساس این حدیث حقوق همسر و خانواده زیاد است و خدمت به عیال پاداش بزرگی دارد. یک حق همسر و فرزندان بر مرد سرپرست خانواده «خدمت» به آن‌هاست.

خدمت، انجام عملی از سر تعهد و دلسوزی است. خدمت، انجام کار نیک و پسندیده در حق کسی است. خدمت، کار کردن برای کسی و تعظیم و هدیه و همراهی و همکاری و یاری در انجام کارهاست.

در این بخش از حدیث شش امتیاز و اثر مثبت خدمت به عیال ذکر شده است.

ورود بی‌حساب به بهشت

خدمت به خانواده جایگاه ارزشمند و تأثیرگذاری بر سرنوشت مرد دارد که بی‌حساب وارد بهشت می‌گردد. در جمله «**یا علی! مَن لَم یأنَف من خدمَة العِیال دَخَلَ الجَنّةَ بغَیر حساب**» حقیقت مهمی نهفته است «لَم یأنَف» یعنی خدمت بی‌ریا و صادقانه و بی‌کراهت و ننگ و تکبر و بی‌منت گذاشتن. چنین خدمتی ارزش دارد و پاداش آن بهشتی شدن است.

کفاره گناهان کبیره

گناهان را به بزرگ و کوچک تقسیم کرده‌اند، خدمت دلسوزانه و مهرورزانه به همسر در خانه موجب بخشش گناهان بزرگ است، کفاره است یعنی گناهان را می‌پوشاند و از بین می‌برد.

دفع غضب الهی

با خدمت به خانواده غضب الهی از مرد خدمتگزار به خانواده برطرف می‌گردد. کارهایی هست که خشم الهی را به همراه دارد. با خدمت در خانه و باری همسر اثر آن گناهان از بین می‌رود.

مهر حورالعین

خداوند متعال برای خدمت به خانواده و اهل‌بیت به انسان حورالعین تزویج می‌نماید. در نتیجه خدمت به خانواده مهریه حورالعین است.

افزایش حسنات و درجات

مهرورزی و محبت و خدمت همه‌جانبه در خانه به همسر و فرزندان سبب افزایش حسنات و درجات مرد می‌گردد. گناهان بزرگ بخشیده می‌شود و غضب الهی فرو می‌نشیند و حورالعین به انسان داده می‌شود و درجات او در بهشت افزایش خواهد یافت.

صدیق و شهید

به تصریح پیامبر اعظم صلی‌الله علیه وآله وسلّم جز سه گروه موفق به خدمت به خانواده نمی‌شوند. صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را خواسته باشد. این گفتار نیز برتری مردان خدمتگزار به خانواده بر دیگر مردان را نشان می‌دهد.

در این بخش حدیث نبوی که در ارزش خدمت به خانواده است، پیامبر خدا صلی‌الله علیه وآله وسلّم در حضور فاطمه سلام‌الله‌علیها سه بار یاعلی گفته و امام علی علیه‌السلام را خطاب قرار داده و فضیلت‌های مرد خادم خانواده را بیان نموده‌اند. در حقیقت همه انسان‌ها مخاطب این سفارش‌های پیامبر خدا می‌باشند. توجّه به این آثار بزرگ و مهم برای خدمت به خانواده، اشتیاق به خدمت در خانه و کمک و یاری همسر را افزایش می‌دهد. محتوای این حدیث جایگاه عالی خانواده و ارزش خدمت به همسر و فرزندان را نشان می‌دهد.

عوامل هلاکت در گفتار اخلاقی امام حسن مجتبی علیه‌السلام

عوامل هلاکت انسان چیست؟ اهل‌بیت علیهم‌السلام به این سؤال پاسخ داده‌اند در یک حدیث امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرموده‌اند: **هَلاکُ النّاسِ فی ثَلاث. الکِبرُ و الحِرصُ و الحَسَدُ؛ فالکِبرُ هَلاکُ الدِّینِ و بِهِ لَعِنَ إبلیسٌ، و الحِرصُ عَدُوُّ النَّفسِ و بِهِ أُخرِجَ آدَمُ مِن الجَنَّة، و الحَسَدُ رائدُ السُّوءِ و مِنهُ قَتَلَ قابیلُ هَابیلَ** (کشف الغمه فی معرفةُ الأئمه علیهم‌السلام، علی بن عیسی اربلی، ج ۱، ص ۵۷۱ * بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۱۹) هلاکت مردم در سه چیز است: تکبر و حرص و حسد؛ تکبر باعث نابودی دین می‌شود و ابلیس به‌خاطر تکبر از درگاه الهی رانده شد و حرص دشمن جان انسان است و به‌واسطه آن آدم از بهشت رانده شد و حسادت راهنمای به‌سوی بدی است و بر اثر همین حسادت قابیل، هابیل را کشت.

در این حدیث سه صفت زشت اخلاقی عامل هلاکت شناخته شده‌اند. هلاکت به‌معنای نابودی و نیستی و مرگ و تباهی و از بین رفتن است. این کلمه برای نابودی فیزیکی مانند مرگ و مردن انسان به‌کار می‌رود همچنین برای نابودی معنوی مانند از دست دادن دین و ایمان و ارزش‌ها نیز استعمال شده است. بنابراین کاربردهای کلمه هلاکت فراوان است در این حدیث هلاکت برای نابودی دین و دشمنی جان و فرمان به بدی آمده است. در این گفتار سخن از هلاکت ناس است ناس به معنای مردم است پس این رذائل و پیامدهای آن اختصاص به فرد یا گروهی ندارد همه طبقات و اقشار و افراد ممکن است گرفتار شوند.

کبر و تکبر

یک صفت رذیلت هلاکت‌آور کِبر است. درباره اثر کبر در این حدیث چنان آمده است: «فالکِبرُ هَلاکُ الدِّینِ و بِهِ لَعِنَ إبلیسُ» خطر بزرگ تکبر در این جمله یادآوری شده است. تکبر موجب نابودی دین می‌گردد و براساس تکبر ابلیس لعنت شد و از درگاه الهی رانده شد. تکبر به‌معنای خودبزرگ‌بینی و اظهار این برتری در گفتار و عمل است و کبر حالتی در انسان است که خود را برتر از دیگران می‌بیند. تکبر به‌معنای تبختر و تفرعن و خود را بزرگ پنداشتن و گردن‌کشی و گستاخی و خودبینی و خودپرستی و خودپسندی و خودخواهی و غرور است.

تکبر یک بیماری روحی و روانی است آدم متکبر نقاط ضعف فراوان خود را هرگز نمی‌بیند و اعتقاد دارد از هر جهت برتر و کامل‌تر از دیگران است. خطر بزرگ تکبر از دست دادن دین و ایمان و مذهب است. ابلیس با تکبر دین را از دست داد. متکبران همانند ابلیس در راه نابودی دین گام بر می‌دارند. تکبر باعث می‌شود دین را زیر پا بگذارند و دین را رها کنند.

حرص

عامل دوم هلاکت انسان‌ها حرص است. حرص نوعی زیاده‌خواهی و طمع به ثروت و غذا و قدرت و ریاست و پول و موقعیت اجتماعی یا هر چیز دیگر است که فرد به‌شدت دنبال آن است. در واقع حرص نوعی اشتیاق سیری‌ناپذیر است که خود را به تلاش بیش از حد و نامعقول و گناه برای به‌دست آوردن آنچه می‌خواهد می‌کشاند. در این حدیث درباره نتیجه حرص چنین آمده است: «**و الحِرصُ عَدُوُّ النَّفسِ و بِهِ اُخرِجَ آدَمُ مِن الجَنَّة**»

امام حسن مجتبی علیه‌السلام در این گفتار اخلاقی حرص را دشمن نفس انسان نامیده‌اند که بر اثر آن حضرت آدم از بهشت رانده شد. حرص و آز و طمع صفت زشت و مذمومی است که آدم را دانسته و از روی علم به گناه وا می‌دارد؛ مثل حرص حضرت آدم به خوردن از شجره ممنوعه. اهل ایمان بر اثر همین حرص به گناه آلوده می‌شوند.

حسد

سومین عامل هلاکت انسان‌ها حسد است. حسد به‌معنای ناخوشایندی و ناپسندی از نعمت‌ها و داشته‌های دیگران و آرزوی از دست رفتن آن نعمت‌هاست. حسادت علاقه به نابودی و از بین رفتن آنچه دیگران دارند و ناراحتی از موفقیت و خوشبختی دیگران است. حسد بدخواهی و رشک بردن و ناخشنودی از امتیازات دیگران است.

حسد احساسی است که هنگام کمبود نسبت به ویژگی و دستاورد و داشته‌های برتر فرد دیگر روی می‌دهد. امام حسن مجتبی علیه‌السلام درباره عاقبت حسد فرموده‌اند: «و الحَسَدُ رائدُ السُّوءِ و مِنهُ قَتَلَ قابیلُ هابیلَ» در این رهنمود حسد «رائد» سوء و بدی اعلام شده است. رائد به‌معنای جوینده و منادی و پیشرو و پیشگام و جلودار و فرمانده است. حسد آدمیان را به کارهای زشت وادار می‌کند و پیش برنده بدی‌هاست. حسد رذیلت بزرگ اخلاقی است که عامل و منشأ رذایل اخلاقی دیگر می‌گردد. براساس حسادت بود که قابیل قاتل شد و برادرش را به قتل رساند.

امام حسن مجتبی علیه‌السلام در این حدیث عوامل هلاکت بشر را معرفی نموده‌اند و سرانجام و خطر و پیامد هریک را نیز بیان کرده‌اند. این هشدارهای بزرگ برای احساس خطر و اقدام انسان‌ها برای نجات خود از هلاکت و نابودی است. عموم مردم از هلاکت گریزان هستند. امام دوّم عوامل هلاکت را نام برده‌اند تا انسان‌ها خود را از آن‌ها پاک کنند و از هلاکت دور شوند.

ضرورت تشکر از مردم در حدیث امام رضا علیه‌السلام

رابطه تشکر از انسان‌ها و تشکر از خدا چگونه است؟ شکر و تشکر ارزش فراوان و آثار زیادی دارد. با دقت در پیوند شکر از بشر و شکر از خدای سبحان اهمیت تشکر از خلق آشکار می‌گردد. این رابطه در یک حدیث امام رضا علیه‌السلام توضیح داده شده است. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از محمود بن ابی بلاد چنین نقل کرده است: سَمِعْتُ الرِّضا علیه‌السلام یَقولُ:

مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقینَ لَمْ یَشْکُرِالله عَزَّ وَجَلَّ. (شیخ صدوق، عیون اخبارالرضاعلیه‌السلام، قرن چهارم، ج ۲، ص ۲۴ * شیخ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۳ * علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۴) کسی که از انسان‌های نعمت دهنده و احسان‌کننده و خیررسان سپاسگزاری ننماید از خدای عزوجل شکرگزاری نکرده است. محور اصلی این حدیث شکر است. شکر در یک تقسیم‌بندی دو قسم می‌گردد: شکر خدا و شکر مردم و این دو بهم پیوسته‌اند. در تقسیم‌بندی دیگر شکر دو قسم می‌گردد: شکر کلامی و زبانی و شکر عملی و رفتاری. مطابق این گفتار رضوی تشکر از انسان‌هایی که نعمتی به ما ارزانی داشته‌اند واجب است.

اهل‌بیت علیهم‌السلام اهل شکر خدا و تشکر از احسان و نیکی مردم بوده‌اند و همگان را به این شکر و تشکر دعوت کرده‌اند.

کسی که اهل تشکر از مردم و خدمات و اقدامات و کمک‌های ارزشمند آنان نیست از خداوند بزرگ در لطف و نعمت‌های بی‌پایان او تشکر نکرده است و کسی که شکر خداوند متعال را بجا نیاورد گمراه و منحرف است. بنابراین شکر و سپاسگزاری تکلیف انسان‌هاست هم در برابر خالق و هم در برابر مخلوق. فردی که از مردم در پاسخ لطف و احسان و خدمت آن‌ها تشکر نمی‌کند طریق تشکر الهی را رعایت نکرده است. به بیان امام رضا علیه‌السلام خدای متعال خود از ما خواسته است که از کسانی که به ما احسان و کمکی کرده‌اند سپاسگزاری کنیم و به تشکر از خدا بسنده نکنیم. درست است که اصل همه نعمت‌هایی که انسان‌ها برای هم می‌آورند از خداوند است نباید با این تصور و تصدیق فقط به شکر خدا اکتفاء نموده و بگوئیم گرچه فلانی به ما نعمتی عطا کرده اما عطاکننده حقیقی خدا بوده و خداوند به او قدرت اعطاء داده است پس شکر خدا کافی است. لازم است از واسطه نعمت که مخلوق خداوند است نیز تشکر شود که بدون آن تشکر از خداند تحقق پیدا نکرده است. عمار دهنی گفته است امام سجاد علیه‌السلام فرموده‌اند: **یقولُالله تبارکَ و تعالی لِعَبْد منْ عبادِه یَوْمَ الْقِیامَة: أَشَکَرْتَ فُلاناً؟ فَیَقُولُ: بل شَکَرْتُکَ یا رَبِّ. فَیَقُولُ: لَمْ تَشْکُرْنی إذا لَمْ تَشْکُرْهُ.** (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹ * علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸)؛ خداوند تبارک و تعالی روز قیامت به بنده‌ای از بندگانش می‌گوید: آیا از فلانی سپاسگزاری کردی؟ او می‌گوید: تو را شکر کرده‌ای پروردگارم، خداوند می‌گوید: چون از او تشکر نکردی از من هم سپاسگزاری ننمودی. مطابق این حدیث نیز شکر خدا تنها از راه تشکر از انسان‌های خدمتگزار تحقق می‌یابد.

بنابراین انسان نمی‌تواند به دلیل اینکه از خدا سپاسگزاری کرده از کسانی مانند پدر و مادر و برادر و خواهر و دوست و معلّم و همسایه و سایر افرادی که به او نیکی کرده‌اند تشکر نکند. ملازمه میان تشکر مخلوق و خالق را دوگونه می‌توان تفسیر کرد، یکی اینکه ترک شکرگزاری مخلوق نشانه ذات ناسپاس شخص است در این صورت در برابر خالق هم شکرگزاری نخواهد کرد به ویژه اینکه نعمت‌های خداوند به دلیل گستردگی آن‌ها ممکن است به چشم نیاید. دیگر اینکه مخلوق واسطه‌ای برای انتقال نعمت خدا به بندگان است و عدم شکرگزاری از واسطه نعمت به عدم شکرگزاری از خالق منتهی می‌گردد. بی‌شک شکرگزاری از انسان‌ها نشانه ادب و وظیفه است. در ادبیات عامیانه و برخی کتاب‌ها حدیث شکر خدا و مردم به این صورت درآمده است: «مَنْ لَمْ یَشْکُرِ المَخْلُوقَ لَمْ یَشْکُرِ الْخَالِقَ». این عبارت در میان روایات شیعه وجود ندارد اما حدیث رضوی مذکور و روایات با مضمون مشابه وجود دارد و شایسته است گویندگان و نویسندگان در هنگام تشکر از دیگران متن حدیث امام رضا علیه‌السلام را به کار ببرند. شکر نعمت‌های دیگران حداقل به تشکر زبانی و لفظی و گفتاری و کلامی و اشاره‌ای است اما شکر عملی و رفتاری و نعمت رساندن به دیگران نیز لازم است.

ابتذال در عزاداری

اربعین امسال هم گذشت و بار دیگر نصایح و انذارها درخصوص ضرورت تجدید نظر و تغییر در سبک رایج نوحه‌ها و عزاداری‌ها ناشنیده ماند. سال‌هاست که در عزاداری‌های این ایام شیوه‌های نابرازنده و گاه موهنی رواج یافته است که نه با معارف عاشورا نسبتی دارد و نه با نواها و نغمه‌های محزون اما ریشه‌دار در موسیقی اصیل ایرانی. از فریادهای گوش‌خراش همراه با طنین کرکننده اکوها گرفته تا ملودی‌های ضعیف و مضامین سست، زننده و خالی از کمترین حال و هوای شاعرانه مدایح و مراثی کهن ایرانی. به اضافه اصراری عجیب بر شباهت لحن، ادبیات، مضامین و حتی حالات افراد به یکدیگر! به‌ویژه کلفت کردن تصنعی صدا و لحن‌های جاهلی و دون شأن عزای سرور و سالار شهیدان. شاید سلسله‌جنبانان این بدعت آشکار، با انگیزه جذب نسل جوان، به ترویج این رویه مشغولند. در این صورت نیز باید گفت پیروی از سلیقه و ذائقه متغیر نسل‌های پیاپی نه‌تنها خدمتی به دستگاه اباعبدالله(ع) نیست، بلکه به وهن این ساحت مقدس نیز منجر شده است.

چه کسی گفته است که نوآوری در هر حیطه‌ای و به هر قیمتی، امری پسندیده و ضروری است؟ مگر شیوه‌های متین، الحان حزین و مضامین وزین نیاکان ما اعم از عوام و خواص چه مشکلی داشت که این بلا را به سر خود آورده‌ایم؟! برفرض هم که قصد نوآوری و انگیزه جلب مخاطب در میان باشد. آیا چاره‌ای جز پناه بردن به ابتذال نداریم؟! آیا شیوه‌های بدیع، مراثی پرمضمون و ملودی‌های حماسی و باشکوه مادحان و ذاکران نسل‌های قدیم باید به فراموشی سپرده شود؟ به فرض محال، در برابر منسوخ شدن شیوه‌های کهن، چاره‌ای نداریم. چرا حال و هوای شکوهمند حاکم بر مجالس عزا در روزگاری نه چندان دور را نیز فراموش کرده‌ایم؟ مگر چند سال از نوحه‌خوانی مرحوم کوثری در حسینیه جماران می‌گذرد؟ پیر جان‌سوخته‌ای که کافی بود لب به آهنگ حزین‌السلام علیک یا اباعبدالله باز کند تا در و دیوار به گریه بیفتد. اوج مراثی‌اش نیز نه با عربده همراه بود، نه تعبیرات مبتذل امروز. کافی بود که بخواند: وای از آن ساعتی که با تن چاک چاک... و می‌دیدیم که چه شور و هروله‌ای به پا می‌شد!

از آن سالها هم که بگذریم، چرا از خلاقیت‌ها و شیوه‌های زیبا و دلنشین موجود در برخی عزاداری‌های همین سالها نیز غافلیم؟ مثلا نوحه‌خوانی جمعی، پرمضمون و حماسی گروهی از جوانان یزدی که هم محتوا و هم موسیقی در نوحه‌هایشان غوغا می‌کند. نواهایی که یادآور محرم ۵۷ و شور شعورآفرین عزاداری‌های رایج در ماه‌های منجر به پیروزی انقلاب است. بعد از انقلاب هم، چه در عزاداری‌های محرم و صفر، و چه در تبلیغ حماسه‌های حسینی رزمندگان اسلام، همه سبک‌ها وزین بود و همه شعرها پرمضمون و ضربه‌دار. البته نمی‌خواهم بگویم در مدایح و مراثی حتما باید از شعر به معنای فنی آن استفاده کرد. آئین‌های سوگواری جای رجز و شعار هم هست. اما در دهه‌های گذشته، شعرها نیز پرمضمون و آگاهی‌بخش بودند.

اتفاق دیگری که این سالها در نوحه‌ها و مراثی شاهد آنیم، گرایش به ترانه‌سرایی حتی استفاده از موسیقی پاپ است. این امر به خودی خود هیچ اشکالی ندارد. اما نه با این ملودی‌های عجیب و غریب و مضامین سستی که از رسانه و کوچه و بازار به گوش می‌رسد. خطر دیگر این بدعت‌ها که اغلب از تهران آغاز شده است و به لحن و لهجه قشری خاص از مردان تهرانی اختصاص دارد، تسخیر روزافزون ذوق و سلیقه جوانان شهرستانی است. مادحان و ذاکرانی جوان از اقوام گوناگون و با گویش‌های مختلف که متأسفانه به تقلید از شیوه‌های مرسوم تهران مشغولند و میراث ارجمند گذشتگان خود را به فراموشی سپرده‌اند. خود من بارها با شگفتی و دردمندی شاهد تقلید ناشیانه جوانان شهرستانی از نسخه‌های سخیف رایج در تهران بوده‌ام. یعنی همان اوسه اوسه گفتن‌ها و بالا و پایین پریدن‌ها و تکرار مضامین سست و موهن، با لهجه تصنعی تهرانی، در قالب اصوات گوشخراش! پس ناچارم این سکوت دیرسال را بشکنم و دردمندانه از همگان بخواهم این خطر را جدی بگیریم و از رخنه ابتذال در آئین‌های عزاداری محرم و صفر ساده نگذریم.

افشین علا - مرداد ۱۴۰۴

آگهی نوبتی سه ماهه اول سال ۱۴۰۴ ثبت تفرش

با توجه به ماده ۱۲ قانون ثبت و ماده ۵۹ آیین نامه قانون مذکور اسامی اشخاصی که نسبت به املاک مجهول المالک در بخش های تابعه حوزه ثبتی تفرش تا آخر خرداد ماه ۱۴۰۴ تقاضای ثبت نموده اند و همچنین مواردی که آگهی نوبتی آن برابر تبصره یک ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت مقرر گردیده تجدید شود با نوع ملک مورد تقاضا برای اطلاع عموم آگهی میگردد.

املاک واقع در بخش ۶ تفرش

۵۵۵۸/ ۲۳۱ آقای حسین خازن چین فرزند حسن ششدانگ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۸۵۶/۲۹ متر مربع واقع در قریه شهراب که طبق رای ۵۰۰۲۰۱۰۰۷۸-۱۴۰۳/۱۱/۲۹ در مالکیت مفروزی نامبرده استقرار یافته است.

املاک واقع در بخش۱۱ ثبت تفرش

۸۶۱ خانمها طاهره و معصومه شهرت هر دو عسگری فرزندان عباس نسبت به دونیم سهم مشاع از ۱۸ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی

۱۱۸۲/۱ آقای علی زمانی فرزند محمد تقی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۰/۱۴ متر مربع طبق رای شماره ۲۰۰۰۰۹۴-۱۴۰۴/۱/۱۴ قانون تعیین تکلیف در مالکیت مفروزی نامبرده استقرار یافته واقع در اراضی ترخوران.

۱۹۸۴ فاطمه کاظمی فرزند ابراهیم یکساعت و دوازده دقیقه از ۲۱۶ ساعت مجرای المیاه قنات کهریز واقع در ترخوران.

۷۶۲/ ۲۰۰۴ آقای سعید کریمی فرزند محمدرضا ششدانگ یک قطعه باغچه محصور بمساحت ۹۶۵/۱۵ متر مربع که آقای عباسعلی پارسا ششدانگ پلاک مذکور را درخواست ثبت و سابقه ای از آگهی نوبتی بدست نیامد.

۹۵۵/ ۲۰۰۸ آقایان شیرزاد و اسماعیل و عبدالناصر و ابراهیم و ام کلثوم فرزندان علی شهرت همگی احمدی و احمدی طرخورانی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۴۲۴۹ متر مربع که در اجرای قانون تعیین تکلیف در مالکیت مالکین استقرار یافته واقع در اراضی عفیف

املاک واقع در بخش ۱۲

۱۸۶۷ آقای سید عباس تمجیدی دو دانگ و نیم و سید عبدالعظیم تمجیدی دو دانگ و بانو بتول مومنی نیم دانگ از ششدانگ مزرعه گدار علیا بانضمام قلعه و یکرشته قنات که در آگهی های قبلی مزرعه گهدار علیا قید و بانضمام قلعه و قنات از قلم افتاده است.

لذا به دستور ماده ۸۶- اصلاحی آئین نامه قانون ثبت هرکس نسبت به املاک آگهی شده بالا معترض می باشد یا اینکه بین متقاضیان ثبت اقامه دعوی شده در جریان می باشد بایستی اعتراض یا گواهی مشعر بر جریان دعوی خود را از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی نسبت به آگهی نوبتی ظرف مدت نود روز به اداره ثبت اسناد تفرش تقدیم و رسید دریافت نماید. در اجرای تبصره دو ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض ظرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند، ضمنا حقوق ارتفاقی در موقع تحدید حدود و در صورت مجلس تحدیدی منظور می گردد و از تاریخ صورت مجلس تحدیدی تا سی روز قابل اعتراض خواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۳۰
شناسه آگهی: ۱۹۶۷۲۰۸

رئیس ثبت اسناد و املاک تفرش – معزی نیا

آگهی ابلاغ کارگاه / شرکت گلایل رنگ لیان

باتوجه به درخواست بازنشستگی پیش از موعد سید علیرضا نجفی در کارهای سخت و زیان آور که در جلسه کمیته بدوی استانی مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۳ این اداره کل مطرح شده ، شغل راننده از تاریخ ۹۲/۱۰/۱ لغایت ۹۴/۲/۳۱ مورد تایید قرار گرفته است. لذا مطابق با تبصره ۵ ماده ۸ تصویب نامه هیئت محترم وزیران، رأی مذکور ظرف مدت ۱۵ روز اداری از تاریخ ابلاغ نامه با ارائه تقاضای کتبی (فرم شماره ۴) قابل تجدید نظر خواهی می باشد و در غیر این صورت رأی مذکور قطعی و لازم الاجراست.

اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ارکان یزدانی مدعی هستند که ششدانگ پلاک ۲۰۴ فرعی از ۶۳۷ اصلی واقع در بخش ۲۴ مریوان بنام مالک فوق صادر و تسلیم گردیده است. و به علت جابجایی از بین رفته و تقاضای المثنی سند مالکیت گردیده است. لذا بنا به دستور تبصره ۱ ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین‌نامه قانون ثبت مصوب ۸۰/۱۱/۸ مراتب جهت اطلاع عموم در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی نسبت به ششدانگ پلاک مرقوم مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نمایند و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر و تسلیم خواهد شد و در صورت ارائه سند مالکیت یا سند معامله صورت جلسه‌ای مبتنی بر وجود آن نزد معترض در دو نسخه تنظیم و یک نسخه آن به متقاضی المثنی تسلیم و اصل سند مالکیت به ارائه‌دهنده مسترد خواهد شد.

رئیس ثبت اسناد و املاک مریوان – نگاری

آگهی مفقودی

ریاست محترم نظام مهندسی استان اصفهان با سلام احتراماً با عدم فعالیت دفتر مهندسی به شماره ۱۰۸۳ طی ۱۰ سال اخیر و عدم تمدید پروانه دفتر مهندسی به استحضار خاطر محترم می رساند ؛ مجوز دفتر طراحی اینجانب علی رضا اشراقی دارای پروانه عضویت ۲۰۳۰۰۰۴۹۴۹ و پروانه نظارت ارشد ۲۰۳۰۰۰۲۷۹۷ متاسفانه مجوز پروانه دفتر طراحی ذیل امضا مفقود گردیده است. با عنایت به حضور و اقامت اینجانب از سال ۱۳۹۹ لغایت هم اکنون به مدت ۶ سال نسبت به تغییر محل پروانه نظارت اینجانب به استان اصفهان _ شهر اصفهان دستورات لازمه را صادر فرمایید. شایان ذکر است طی ۶ سال گذشته هیچ گونه نظارتی از سوی اینجانب انجام نگردیده است.

علی رضا اشراقی ناظر ارشد

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای صدیق کریم‌پور با در دست داشتن یکبرگ استشهادیه محلی که به تائید دفتر گواهی امضاء دفتر ۷۶ شهرستان بانه رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی پلاک ۷ فرعی از ۱ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در بخش ۷ بانه روستای کانی سیب قطعه ۶ که سند مالکیت آن بنام نامبرده صادر و تسلیم گردیده است، بر اثر سهل‌انگاری مفقود گردیده است لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت و اصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت یادشده نزد خود می‌باشد ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیر اینصورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد.

کیوان محمودی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم پرشنگ فتحی (احدی از وراث مرحوم عبدالله حدادی کس‌نزان) با یکبرگ استشهادیه محلی که به تائید دفتر گواهی امضاء دفتر ۵۳ شهرستان بانه رسیده مدعی است که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یک باب ساختمان پلاک ۱۵۶۲ اصلی واقع در بخش ۷ بانه که سند مالکت آن بنام مورث صادر و تسلیم گردیده است بر اثر سهل‌انگاری مفقود گردیده است لذا به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت و اصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت یادشده نزد خود می‌باشد ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیر اینصورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد.

کیوان محمودی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه

خانم مینا منصوری
(به نشانی خیابان پارک خیابان شهید هاشمی‌نژاد نبش کوچه مینا)

با سلام

احتراماً با عنایت به اینکه قسمتی از پلاک ثبتی شماره ۲۰۴۴/۳۵۴۸ متعلق به جنابعالی واقع در خیابان پارک خیابان شهید هاشمی‌نژاد نبش کوچه مینا به استناد طرح تفصیلی نقشه جامع شهر در طرح تاریخی قرار دارد و علیرغم مذاکرات شفاهی و مکاتبات متعدد حاضر به توافق با شهرداری نشده‌اید و همچنین جهت ارزیابی ملک موصوف از معرفی کارشناس منتخب خود و کارشناس مرض‌الطرفین ظرف مهلت قانونی خودداری نموده‌اید لذا به جهت ضرورت اجرای طرح و در راستای قانون نحوه تقویم ابنیه املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰/۰۸/۲۸ مراتب جهت معرفی کارشناس (منتخب جنابعالی و مرض‌الطرفین) به دادگستری شهرستان ملایر ارجاع گردید و متعاقباً پس از معرفی کارشناسان مزبور در معیت کارشناس منتخب شهرداری از ملک موردنظر بازدید بعمل آورده و برابر نظریه کارشناسی پیوست ارزش هر مترمربع ملک موصوف مبلغ ۳۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین و ارزیابی گردید لذا مستدعی است حداکثر ظرف مدت یکماه از تاریخ رویت این ابلاغ جهت دریافت مبلغ کارشناسی به شهرداری مراجعه فرمائید در غیر اینصورت به استناد قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸ مبلغ کارشناسی در صندوق ثبت تودیع و از طریق مراجع قضایی نسبت به تملک آن اقدام خواهد گردید.

شهردار ملایر مجید فرجی

سند مالکیت (برگ سبز) و سند کارخانه سواری سپژو پارس مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۵۸-۱۹۶س۴۲ و شماره شاسی NAAN01CE7MH619679 و شماره موتور 124K1584679 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

خوانندگان عزیز می‌توانند برای ارائه نظرات،پیشنهادات و انتقادات خود از طریق شماره تلفن ۷۷۶۴۴۴۰۹ با روابط عمومی روزنامه جمهوری اسلامی تماس حاصل نمایند

سند مالکیت (برگ سبز) و سند کارخانه و کارت شناسایی سواری پراید مدل ۸۸ به رنگ نقره‌ای به شماره انتظامی ۴۸-۷۹۲س۷۳ و شماره شاسی S1412288403890 و شماره موتور ۳۲۹۸۶۵۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه سواری پژو پارس مدل ۸۵ به